

بسمه تعالی

شناخت ایمان و مراتب آن از دیدگاه قرآن

اکرم طولابی^۱

چکیده

از نظر قرآن ایمان دارای مراتب گوناگونی است و این طور نیست که همه کسانی که «مومن» نامیده می شوند درجه ایمان شان یکسان باشد. بحث حقیقت ایمان و ویژگی ها و پیامدهای آن از محوری ترین مباحث دین شناسی است که بررسی آن می تواند در تصحیح دیدگاه های نظری و باورهای انسان تاثیر بسزایی داشته باشد، از جنبه عملی هم نقشی اساسی در اصلاح رفتارهای آدمی دارد. ایمان شدت و ضعف دارد و در همه افراد در یک درجه نیست ؛ دلیل وجود مراتب ایمان را باید در قابلیت افزایش و کاهش پذیری آن جستجو کرد که امری حقیقی است ؛ اکنون ما به روش تحلیلی و توصیفی و در گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه ای بررسی می کنیم که معنای ایمان و نشانه ایمان واقعی چیست ؛ مراتب و ارکان و فواید ایمان و ماهیت و ارزش ایمان و شروط ایمان چیست ؛ تفاوت بین اسلام و ایمان و عواملی که ایمان را تقویت می کنند چه عواملی هستند .

کلید واژه: اسلام، ایمان ، قرآن، مومن.

^۱ . طلبه ی سطح دو حوزه علمیه حضرت معصومه سلام الله علیها دماوند

مقدمه

سپاس خدای عزوجل که انسان را آفرید و به او عقل داد تا راه حق و باطل را از هم تشخیص دهد. که پیمودن راه حق تنها با داشتن ایمان حاصل می‌شود، و ایمان خود دارای مراتبی می‌باشد که افراد بر حسب آن با یکدیگر متفاوت می‌باشند. اما قبل از اینکه بخواهم مستقیماً به درجات ایمان پردازم ابتدا اشاره‌ای به (خود ایمان که اصلاً ایمان چیست؟ چگونه حاصل می‌شود. چرا وجود علم در ایمان موثر است) دارم. بعد از آن به درجات ایمان پرداخته‌ام. پژوهش پیش‌رو بیانگر این است که ایمان به خداوند، باعث عمق‌بخشی بینش و معرفت مومن نسبت به حقایق عالم خواهد شد؛ یعنی مومن درک خواهد کرد که او و همه عالم، عین تعلق و وابستگی به خداوند است. افزون بر این، ایمان باعث شکوفایی و برآوردن گرایش‌ها و امیال اصیل انسان شده، کنش‌ها و خلیقات مومن را متحول می‌کند؛ یعنی سبب بروز ملکات و فضایل اخلاقی در مومن خواهد شد تا جایی که خلیفگی خداوند در او تجلی می‌یابد. مؤمن در اثر دستیابی به مراتب بالای ایمان، چشم حقیقت‌بینش باز می‌گردد و دارای بینش و معرفتی عمیق می‌شود و با توجه به ظرفیت وجودیش، امور عالم را مطابق با واقع آن‌ها شهود می‌کند. تاریخ انبیاء بیانگر آن است که برنامه‌های تمام پیامبران در دعوت به اصول، بدون هیچ اختلافی یکسان بوده، هرگاه پیامبری دعوت خود را با دلایلی آشکار می‌ساخت، قوم او به دو گروه مؤمن و کافر تقسیم می‌شدند. ایمان، امری است دارای مراتب تشکیکی؛ چرا که قابل شدت و ضعف است. ممکن است برخی از مراتب ایمان به گونه‌ای آمیخته به نوعی از شرک خفی باشد. طبق آموزه‌های دینی، معیار درجه بندی و ارتقاء وجودی مؤمنان، انجام اعمال صالح و مرضی خدای سبحان است.

برای تدوین پیشینه‌ی موضوع مورد تحقیق به منابع قرآن و تفسیر، کتب روایی مراجعه شده است. با بررسی‌های انجام شده پیرامون منابع این موضوع ابتدا قرآن و آیات مرتبط با موضوع ایمان مورد بررسی قرار گرفت و آیات موجود در زمینه‌ی آن استخراج گردید. خداوند متعال در آیات متعددی از جمله سوره نساء آیه ۱۳۶، سوره یونس آیه ۶۳، سوره بقره آیه ۵۵، سوره مجادله آیه ۲۲ و ... اشاراتی به اهمیت ایمان و مراتب آن دارد. لازم به ذکر است که از تفسیرالمیزان علامه طباطبایی و تفسیر نمونه و تفاسیر دیگری استفاده شده است. به کتاب‌های روایی از جمله کتاب خصال شیخ صدوق و اصول کافی و نهج الفصاحه و بحارالانوار و ... نیز مراجعه شده است. که در همه‌ی این کتب روایی درباره‌ی مسائل و ویژگی‌ها، آثار و شرایط ایمان احادیثی بیان شده است. در این مقاله به بررسی ایمان و مدارج آن در قرآن می‌پردازیم با این هدف که پژوهشی بین علم کلام و علم تفسیر با توجه به اثرگذاری ایمان در سعادت انسان و اهمیت شناخت مدارج آن در سرنوشت انسان صورت بگیرد، سعی نموده تا به این سوال که دیدگاه قرآن درباره ایمان چیست پاسخ دهیم

مفهوم شناسی

ایمان ، مومن ، اسلام

ایمان : واژه ایمان از ریشه «امن» به معنای تصدیق کردن بوده ؛ و یکی از اسامی قرآن «ایمان» است: (ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا بربکم) ^۱ پروردگارا ما شنیدیم که دعوتگری به ایمان فرا می خواند که به پروردگار خود ایمان آورید .

کلمه «ایمان» در قرآن کریم «۴۵» مرتبه تکرار شده و از ریشه آن «۸۷۹» کلمه استعمال شده است و مشتقات این ماده در قرآن «۶۲» کلمه است

مومن : مؤمن در لغت از ریشه « امن » به معنای تصدیق نمودن و اعتماد کردن، و آرامش قلب و خضوع است ^۲ پس واژه مؤمنین به معنای تصدیق کنندگان بکار می رود .

مؤمن در اصطلاح به کسانی گفته می شود که وجود خداوند را تصدیق نمایند و در برابر او تسلیم و خاضع و منقاد و مطیع باشند و رسالت همه انبیا الهی را تصدیق و محتوای پیام در رسالت آنها را قبول نمایند . پیامبر اکرم (ص) فرمودند : ایمان ، شناخت با دل و گفتن با زبان و عمل با ارکان بدن است . ^۳

اسلام : اسلام در لغت به معنای «انقیاد» و «گردن نهادن» به حکم است . کاربرد دینی این لغت ، تسلیم در برابر فرمان خداست . در آیه هایی از قرآن همچون آیات ۲، ۱۱۲ و ۱۲۸ بقره ، اسلام به معنای همین معنا به کار رفته است . ^۴ این واژه از ماده «سلم» است که خود به معنای «تسلیم کامل » «سالم شدن» و «رهایی یافتن از آفات» است. در معجم الوسیط آمده است که «إسلام» در لغت به معنای اظهار خشوع و پذیرش دین محمد است. در این خصوص به کسی که دین اسلام را پذیرفته است، «مُسْلِم» (در فارسی: مسلمان) گفته می شود و «أسلم» به معنای کسی است که در دین خود خالص باشد . ^۵

ایمان چیست

ایمان به معنای معرفت توأم با تسلیم قلبی و خضوع و خشوع دل به خداوند متعال و رسول او و آموزه هایی که به بشریت ارائه کرده اند . ملاک اسلام شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیغمبر و قبول

^۱ آل عمران: ۱۹۳

^۲ معجم مقاییس اللغة، اقرب الموارد، فرهنگ جامع، واژه «امن»

^۳ کنز العمال، ص ۹۵.

^۴ بهرامیان، «اسلام»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی

^۵ مصطفی و دیگران، معجم الوسیط، ج ۱، ص ۴۴۶.

هر چه را او به عنوان رسالت از طرف خداوند آورده است. اما ایمان باور قلبی است و اثر خود را در اعمال و رفتار انسان نشان می‌دهد.

خشوع قلب، پویایی و توکل از نشانه‌هایی است که در قرآن کریم و روایات معصومین (ع) برای ایمان واقعی ذکر شده است. ما برای حفظ ایمان به کمک خدا احتیاج داریم و از اینکه ممکن است ایمان خود را از دست بدهیم همیشه باید از خدا خوف داشته باشیم.

فرعون با اینکه یقین داشت آنچه موسی (ع) می‌گوید حق است و رسالت موسی (ع) را قلباً باور کرده بود ولی به او مومن گفته نمی‌شد چون از روی لجاجت و استکبار اقرار به یگانگی خدا و نبوت موسی نمی‌کرد. ولی وقتی در حال غرق شدن اضطراراً اعتراف به توحید و رسالت موسی نمود گفت: امنت انه لا اله الا الذی امنت به بنو اسرائیل وانا من المسلمین^۱ ایمان آوردم که خدایی جز آن خدا که بنی اسرائیل به او ایمان آورده اند وجود ندارد و من یکی از مسلمانانم.

در اینجا فرعون جبراً ایمان آورد. باور قلبی داشت و ترس از غرق شدن و مردن او را وادار به اقرار زبانی کرد. پس او مومن شد ولی به صورت اضطراری و از روی اجبار. بنابراین ایمان دو رکن دارد: اعتقاد قلبی و اقرار عملی رکن اول در اختیار انسان نیست یعنی انسان نمی‌تواند به دلخواه خود هر چه را بخواهد باور کند یا باور نکند ولی رکن دوم در اختیار انسان است و مربوط به عقل و بعد عملی وجود انسان می‌باشد. یعنی انسان می‌تواند به آنچه باور دارد اعتراف کند و به مقتضای آن عمل نماید ولی عملاً اعتراف به اعتقادات خود نداشته باشد اعتقادات قلبی که رکن اول ایمان است، چون در اختیار انسان نیست اجبار بردار هم نیست. یعنی به زور نمی‌شود اعتقاد کسی را عوض کرد. ولی رکن دوم ایمان که اقرار عملی است چون در اختیار انسان است قابل اجبار است یعنی می‌شود جبراً کسی را وادار کرد که به عقاید خود عملاً اعتراف کند یا بر خلاف عقیده خود عمل نماید و خود نیز دارای مراتبی است.^۲ که این مراتب از راه علم حاصل می‌شود که در اینجا به تلازم وجودی علم و ایمان اشاره می‌کنیم.

حضرت محمد (ص) فرمودند: سه ویژگی است که در هر کس یافت شود، ویژگی‌های ایمان کامل می‌گردد: آن که وقتی خشنود گردد، خشنودی‌اش او را به باطل نکشاند و خشمش او را به هنگام خشم، از حق برون نبرد و هر گاه توان یافت به آنچه از او نیست، دست درازی نکند.^۳

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ^۴ آنان که ایمان آورده و ایمان خود را به ستم نیامیخته‌اند دارای امنیت هستند و هدایت یافته‌اند. امام علی (ع) فرمودند: ایمان هیچ کس کامل نمی‌شود مگر هر که را خدا دوست دارد دوست داشته باشد و آن

۱. یونس: ۹۰

۲. محمدی ری شهری، درس‌هایی از اصول عقاید اسلامی، ج ۱، ص ۱۴۱

۳. الاصول الستة عشر (ط-دارالشبستری)، ص ۳۵

۴. انعام: ۸۲

که را خدا دشمن دارد دشمن داشته باشد.^۱ امام رضا (ع) فرمودند: ایمان یک درجه بالاتر از اسلام است و تقوا یک درجه بالاتر از ایمان است و به فرزند آدم چیزی بالاتر از یقین داده نشده است.^۲

تلازم وجودی علم و ایمان

به دلیل قدرتی که عقل در شناخت و آگاهی نسبت به قضایای دینی دارد بین علم و ایمان صحیح، تلازم وجودی بوده ولی ملازمه عدمی نیست و بر همین اساس در بسیاری از متون دینی، ایمان و عبودیت افراد در گرو آگاهی و علم آنها قرار داده شده است مثل:

- (انما یخشی... من عباده العلماء) به درستی که بندگان خدا فقط عالمان هستند که از خداوند سبحان خشیت دارند.^۳

- امام علی (ع) می‌فرمایند: (ما امن المومن حتی عقل) مومن تا هنگامی که تعقل نکند ایمان نمی‌آورد.^۴

در برخی از متون مرتبه ایمان و عبودیت در گرو رتبه علم و آگاهی افراد دانسته شده است مانند: امام علی (ع) می‌فرماید: (علی قدر العقل یكون الدین) دین هر کس به مقدار عقل اوست.^۵ علت اختلاف درجات ایمان رami توان اختلاف در درجات علم دانست زیرا اختلاف درجات به این دلیل است که ایمان هر کس به اندازه‌ی علم است.

ایمان حقیقی

امام صادق (ع) به عبدالله بن جندب، می‌فرماید: یابن جندب، إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ يَخَافُونَ اللَّهَ وَ يُشْفِقُونَ أَنْ يُسَلَّبُوا مَا أُعْطُوا مِنَ الْهُدَى فَإِذَا ذَكَرُوا اللَّهَ وَ نِعَمَائِهِ وَجَلُّوا وَ أَشْفَقُوا وَ إِذَا تَلَّيْتُ عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا مِمَّا أَظْهَرَ مِنْ نَفَازِ قُدْرَتِهِ وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ^۶ (این فقره از روایت در مقام توضیح ایمان حقیقی است که ایمان حقیقی چه آثاری در انسان دارد و می‌توان مؤمن حقیقی را با این آثار شناخت. برای معرفی ایمان واقعی و آثارش، معرفی مؤمن حقیقی و مراتب و درجات ایمان، آیات و روایات بسیاری وارد شده است. یکی از دلایل ذکر این مطالب آن است که بعضی افراد که فکر سطحی دارند، تصور می‌کنند که انسان یا کافر است یا مؤمن و اگر کافر و منکر خدا و منکر قیامت نبود مؤمن است. مؤمن هم که شد، با دیگر مؤمنان فرقی ندارد و همه آثار ایمان بر او مترتب است، در صورتی که چنین نیست.

^۱. شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، ج ۱۸، ص ۵۱

^۲. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۴۴۵

^۳. فاطر: ۲۸

^۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم: ۹۵۵۳

^۵. همان، غرر الحکم: ۶۱۸۴ - ۶۱۸۳

^۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۸۰، ح ۱، باب ۲۴

برداشت انحرافی از ایمان

در این باره که ایمان با چه چیزی ثابت می‌شود و با چه از بین می‌رود، از صدر اسلام بحث و گفت و گو بوده است. برخی می‌گفتند: ممکن است انسان ایمان بیاورد و هیچ عملی انجام ندهد، همه گناهان را هم مرتکب شود، ولی چون ایمان آورده است به بهشت برود. این‌ها به «مُرحبه» معروف‌اند. برخی هم معتقد بودند اگر مؤمنی مرتکب کبیره‌ای شود «کاهل» می‌گردد. این اعتقادی است که به خوارج نسبت می‌دهند. آن‌ها می‌گفتند که ایمان همان عمل به دستورات و ترک گناهان کبیره است. اگر کسی مرتکب گناهان کبیره شد ایمان ندارد؛ یعنی: کافر شده است. به همین دلیل، خوارج، خون طرفداران امیرالمؤمنین (ع) را حلال می‌دانستند و به نوامیس شان تجاوز می‌کردند و آن همه فجایع را مرتکب شدند. حرفشان این بود که می‌گفتند این‌ها کافر شده‌اند. حتی در مورد شخص حضرت امیرالمؤمنین (ع) هم چنین اظهار می‌کردند که چون ایشان حکمیت را پذیرفته و این کفر و شرک است پس از اسلام خارج شده است. این نوعی برداشت انحرافی از ایمان بود.

اما به نظر ائمه اهل بیت (ع)، هیچ کدام از این‌ها درست نیست. آنان نه نظر مرحبه را قبول داشتند نه نظر خوارج را. چنین نیست که به صرف ایمان قلبی، انسان به بهشت برود، اگرچه هر گناهی را خواست انجام دهد: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ»^۱ این جور نیست که زندگی انسان مثلاً، با یک ایمان لحظه‌ای تمام شود و مجاز باشد هر گناهی را مرتکب شود و اصل ایمانش محفوظ باشد. بله اگر کسی ایمانش را تا آخرین لحظه حیات حفظ کرد در عالم آخرت، پس از این که در عرصات قیامت به اندازه گناهانش عذاب شد، اگر لیاقت شفاعت را داشت، در بعضی از مراحل، مشمول شفاعت قرار می‌گیرد و به بهشت می‌رود.

علامت و نشانه ایمان واقعی

نشانه ایمان آن است که انسان به آنچه که باید بداند آگاه باشد، و آنچه را که گفتنی است بگوید و آنچه را انجام دادنی است عمل نموده، و از آنچه که احتراز از آن لازم است پرهیز کرده و دوری جوید. این‌ها که گفتیم «عمل صالح» نام دارد که لازمه ی ایمان و قابل افزایش و کاهش، می‌باشد و لذا عمل صالح همه جا با ایمان ذکر می‌شود، چنان که خداوند می‌فرماید: «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ»^۲ مگر آنان که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند در خسران و زیان نیستند. برخی از آیات قرآن در مقام معرفی ایمان واقعی به مردم است و آن‌ها را ترغیب می‌کند که آن ایمان را به دست آورند و سعی کنند ایمانشان کامل‌تر شود و به مراتب نازل ایمان اکتفا نکنند. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ»^۳ اولین نشانه مؤمن واقعی آن است که وقتی یاد خدا می‌شود یا خودش

۱. زلزال: ۷

۲. عصر: ۳

۳. انفال: ۲

به یاد خدا می‌افتد، دلش می‌لرزد. ما هم می‌توانیم خودمان را بیازماییم تا بدانیم که چه قدر این نشانه در ما وجود دارد. گاهی ما به صورت تعبّدی می‌خواهیم بگوییم قرآن این مطلب را فرموده است، ولی گاهی می‌خواهیم قدری این مطلب تبیین شود و سرّش را بفهمیم که چه ارتباطی بین ایمان و این حالت قلبی وجود دارد. جای ایمان واقعی قلب است.

نتیجه

اعمال نیک و بد در شکل‌گیری ایمان و یا در افزایش یا کاهش مراتب ایمان موثرند. در بیان قرآن، طاعت خداوند، عمل صالح، نماز، زکات و احسان، بستر ساز بهره‌مندی از هدایت خداوند می‌شود. انسان برای اینکه تذکرپذیر باشد، باید اهل نماز، انفاق و صلۀ رحم باشد. در بیان قرآن، مجرمان و گناه‌کاران از ایمان فاصله می‌گیرند. اعمال بدی که انسان انجام داده است، تعدی از بندگی خداوند، رویگردانی از خدا، مخالفت کردن با خدا و رسولش، نقض پیمان الهی و قتل انبیا، زمینه‌ساز بسته شدن دل‌ها می‌شوند. فرایند شناخت ایمان، نیازمند بسترهای معرفتی، اخلاقی، ایمان و رفتاری است. ایمان افزون بر بستر معرفتی، برای شکل‌گیری و شکوفایی، بسترهای دیگری نیز می‌خواهد. در این فرایند، هرچند عوامل معرفت‌بخش، نقش قابل توجهی در ترسیم جهان بینی دینی و در نتیجه، در تولید ایمان دارد، اما فرایند ایمان صرفاً به معرفت نیست. برای شکل گرفتن ایمان فراتر از نظر به عوامل و فهم آن، لازم است حالاتی تحصیل شود. وقتی قلب در وضعیت طهارت، خشیت، اطمینان و اعتماد قرار گرفت وقت فرایند ایمان برای اراده‌ایمان، تناسب پیدا میکند. ایمان و اسلام و تبعیت از خدا و یا کفر و نفاق موجب می‌شوند ایمان فارغ از افزایش و کاهش فهم عوامل آن، از جانب خداوند شدت یابند. اعمال صالح نیز چنین نقشی در زمینه‌سازی ایمان دارند. عمل صالح زمینه‌ساز فهم می‌شود و کارهای ناپسند راه فهم انسان را ناهموار می‌کند. ذکر و یاد خدا، احسان و انفاق، توجه و نیکوکرداری، انسان را لطیف می‌کنند. فرایند ایمان، مسیر گوه‌رین شدن وجود انسان است. در مسیر ایمان صفات و رفتار مومن، چنان تحول می‌یابد که خدا کانون توجه‌اش می‌شود. مؤمن گاه باید موعظه شود و به هیجان درآید، گاه باید تطهیر شود و طهارت ورزد، گاه باید احسان کند و ایثار نماید تا نرم خو شود، گاه باید، به شریعت، نفسش را ریاضت بخشد، و گاه باید ذهنش را از وسوسه بشوید و جهان بینی‌اش را به افق معیار تنظیم نماید.

فهرست منابع

قرآن

نهج البلاغه

ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، **شرح نهج البلاغه**، ابراهیم، محمد ابوالفضل، مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۳۶۳ ش / ۱۴۰۴ ق

ابن شعبه، حسن بن علی، **تحف العقول**، سیدباقر میرعبداللہی، موسسه فرهنگی دارالحديث، ۱۳۹۳.
ابن فارس، احمد بن فارس، **معجم مقاییس اللغة**، **اقرب الموارد**، هارون، عبد السلام محمد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ه، ش
ابی محمد الحسن حرانی، حسن بن علی ابن شعبه، حسین اعلمی، **تحف العقول عن آل الرسول (ص)**، آفرند، ۱۳۸۵

بهرامیان، علی، **دایرةالمعارف بزرگ اسلامی**، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی
تبریزی سبحانی، جعفر، **فرازهایی از اسلام**، مشعر - تهران - ایران، ۱۳۸۶ ش
محمدی ری شهری، محمد، **درسهای از اصول عقاید اسلامی**، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (طبع و نشر)، ۱۳۶۶.
عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، سیدباقر میرعبداللہی، **غرر الحکم**، موسسه فرهنگی دارالحديث، ۱۳۹۵

محمد بن علی ابن بابویه، محمدباقر کمره‌ای، **خصال شیخ صدوق با ترجمه و شرح فارسی**، کتابچی، ۱۳۸۱،

مکارم شیرازی، **تفسیر نمونه**، آشتیانی، محمدرضا، دار الکتب الإسلامیة - تهران، ایران، ۱۳۷۴ ه ش
طباطبائی، محمدحسین، **تفسیر المیزان**، سیدمحمدباقر موسوی، مرکز نشر فرهنگی رجاء، بنیاد علمی فکری علامه طباطبائی، ۱۳۷۸

محمد بن یعقوب کلینی، **اصول کافی**، دار الثقلین، ۱۳۹۱
حسینی، سید علی، پاینده، ابوالقاسم، **نهج الفصاحه**، دارالعلم، ۱۳۹۰
متقی، علی بن حسام‌الدین، **کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال**، دمیاطی، محمود عمردار الکتب العلمیة - بیروت - لبنان ۱۴۱۹ ه ق، ۱۹۹۸ م

مصطفی و دیگران، **معجم الوسیط**، موسسه الصادق (ع)، ایران - تهران، ۱۳۸۶
محمودی، ضیاء‌الدین، **الاصول الستة عشر**، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحديث، قم، ۱۳۸۱ ه ش
معتزلی، ابن ابی الحدید، **شرح نهج البلاغه**، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی العامة
مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، ج ۷۸، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۱۵

محمد صالح اندیمشکی ، تفسیر قمی، علی بن ابراهیم القمی، ذوی القربی، نجف، ۱۳۸۶
طوسی، محمد بن حسن، الأمالی (للطوسی) ، بنیاد بعثت. واحد تحقیقات اسلامی، دار الثقافة - قم
- ایران ۱۴۱۴ هـ ق
عیاشی، محمد بن مسعود ، تفسیر عیاشی، المطبعة العلمية ، تهران ، ۱۳۸۰ ق
قمی، علی بن ابراهیم ، تفسیر قمی، دار الكتاب - قم ، ایران ، ۱۴۰۴ هـ ق